

دو فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)

سال چهارم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶

پژوهشی در حقوق عمومی اختراع

ناصرعلی منصوریان^۱

دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۶

پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

چکیده

در خصوص شناخت نهاد اختراع ابتدا باید ماهیت حقوقی آن دانسته شود و سپس حق مخترع شناخته گردد. مطالعه درباره حقوق اختراع و حق مخترع از حدود نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز شده است و سپس به تدریج طی چندین سال با تصویب اسناد بین‌المللی متعدد تحول پیدا کرده است. به دنبال تصویب کنوانسیون‌های فراوان در این زمینه در چهارچوب حقوق بین‌الملل مالکیت فکری کنوانسیون‌های گوناگونی در حمایت از آثار مالکیت ادبی و هنری و حق تألیف تدوین و تأیید شدند. در این میان کنوانسیون چند جانبه استراسبورگ در سال ۱۹۶۳ درباره حقوق پروانه اختراع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این سند مبنای تحولی در سطح اروپا از دو دیدگاه عمودی و افقی گردید. از دیدگاه عمودی حقوق حاکم اروپا و لازم‌الاتباع در کشورهای عضو اتحادیه اروپا مطرح است. لیکن از دیدگاه افقی بررسی تطبیقی مقررات چند کشور به عنوان نمونه‌هایی از قانون‌گذاری دولت‌ها مورد نظر است. بدین لحاظ در تحقیق حاضر قانون‌گذاری‌های کشورهای فرانسه، بلژیک و آلمان با یکدیگر مقایسه شده‌اند. موضوع مطروحه دیگر در اینجا ماهیت حقوقی حق مخترع است که با قطعنامه شماره یک کنگره ۱۸۷۷ پاریس شروع شد. تلاش ما در شناساندن همه ابعاد حقوقی نهاد اختراع و حق مخترع سبب خواهد شد جنبه‌های گوناگون مالکیت معنوی، ادبی و صنعتی مربوط به آن شناخته شوند.

واژگان کلیدی: مالکیت هنری، مالکیت ادبی، مالکیت صنعتی، حق اختراع، حق مخترع.

۱. عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی namansourian@yahoo.com

مقدمه

فرهنگ حقوقی لیتره^۱ «اختراع» را این گونه تعریف می‌کند: «آفریدن چیزی تازه با نیروی روح». از دیدگاه لیتره، در مقایسه با اختراع، کشف یعنی: «یافتن آن چه شناخته نشده یا مجهول مانده است». واژه اختراع ضرورتاً کاربرد صنعتی آن را به ذهن می‌آورد. اختراع صنعتی همان گونه که کریستیان انگلر گفته است: «ابتکاری است برای تحقق نتیجه‌ای عملی با کاربرد صنعتی» (Christian Englert, 1960 : 10). خلق کردن یک اختراع یک عمل است؛ اما هر عملی حقوقی نیست و بقول لوئی ژوسران: «اعمالی را می‌توان حقوقی نامید که به منظور حصول نتایج حقوقی انجام گیرند» (Louis Josserand, 1932 : N° 120). بنابراین، در خصوص «اختراع»، عمل حقوقی به معنای واقعی وجود ندارد. بلکه یک واقعه معینی است که نظام حقوقی برایش نتایج حقوقی قائل است، صرف‌نظر از اراده مخترع. بنابراین مخترع لازم نیست اهلیت مدنی قدرت خلق یک اختراع را داشته باشد. حتی نیاز نیست به مفهوم مدنی اصطلاح «مسئول» باشد. اختراع یک دیوانه همان آثار حقوقی را دارد که اختراع یک استاد دانشگاه. بر عکس سپردن تقاضای پروانه اختراع یک عمل حقوقی است. مهم روابط حقوقی است که قانونگذار در ارتباط با این واقعه بوجود آورده است. این روابط حقوقی همان است که «حقوق مخترع» اصطلاح شده است (ر.ک: همان، صص ۱۹-۱۸).

اکنون باید بررسی گردد ماهیت حقوقی حقوق اختراع و حق مخترع چیست؟ اما پیش از پرداختن به این مطلب لازم به نظر می‌رسد تعاریف و مفاهیم بنیادین مربوطه در حقوق عمومی و در قانون‌گذاری‌های چند کشور ارائه شود.

گفتار اول: مفهوم حقوقی نهاد اختراع

بحث و مطالعه درباره حقوق مخترع در چهارچوب مالکیت صنعتی از حدود نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز شده است. اولین متن بین‌المللی کنوانسیون چند جانبه اتحادیه پاریس مصوب ۲۰ مارس ۱۸۸۳ میلادی بود که خود چندین نوبت: ۱۴ دسامبر ۱۹۰۰ در بروکسل، ۲ ژوئن ۱۹۱۸ در واشینگتن، ۶ نوامبر ۱۹۲۷ در لاهه و ۲ ژوئن ۱۹۳۴ در لندن اصلاح شد. هدف کنوانسیون به تعبیر ماده ۱ آن حمایت از یک مالکیت صنعتی و «پروانه‌های اختراع» بود (Droit commercial, 1947: 44). این

1. (Littre, 1962 : 10-18)

کنوانسیون نتیجه حقوقی کنگره بین‌المللی مالکیت صنعتی بود که در سال ۱۸۷۸ در پاریس تشکیل شده و خود به اصولی دست یافته بود از جمله اصول زیر:

منحصراً برای مخترع باید حق مالکیت مطلق او را روی کشف پذیرفت، ماهیت و اهمیت آن هر چه بخواهد باشد، مشروط بر اینکه کار او ویژگی اختراع صنعتی را داشته باشد.

سند رسمی این مالکیت باید توسط دولت اعطا شود (Thirion, 1880).

پس از این کنوانسیون طی متون عام‌تر حقوق بین‌الملل مالکیت فکری یعنی کنوانسیون‌های ۱۸۸۶ برن و ۱۹۵۲ ژنو موضوع حمایت از آثار مالکیت ادبی و هنری و نیز حق تألیف تأیید و تدوین گردید. سه کنوانسیون چند جانبه مزبور در واقع حداقل استاندارد حمایت از حق مالکیت فکری به مفهوم عام محسوب می‌شوند که سپس بر مبنای تحولات فنی و اقتصادی در قلمرو حقوق بین‌المللی و در سطوح منطقه‌ای از جمله در اروپا و همچنین در عرصه حقوق داخلی کشورها بازتاب پیدا کرده‌اند (Benech, 1991 : pp. 423-430).

دومین کنوانسیون چند جانبه درباره حقوق پروانه اختراع مبنای اخص کنوانسیون ۱۹۶۳ استراسبورگ است که توسط تعدادی دول عضو شورای اروپا امضا شد و همچنان در حال تغییر و تحول است. آنچه مسلم است؛ اینکه «در دوره معاصر، مدرن شدن تکنیک بر صنایع که روز به روز در حال تعدد و توسعه هستند تحمیل شده است، به گونه‌ای که (...) بسیاری از شرکت‌ها یکی پس از دیگری و یا همزمان نوآوری می‌کنند و توسط نوآوری‌های رقبای خود تهدید می‌شوند.» (Plasserand & Savignon, 1986 : p. 16)

در خصوص اروپا، مقررات مورد قبول در این زمینه را می‌توان از دو دیدگاه عمودی و افقی مطالعه کرد:

اول (دیدگاه عمودی): در این چهارچوب که در واقع حقوق حاکم اروپا و لازمالاتباع در کشورهای عضو اتحادیه اروپا منظور نظر است، حق اختراع در چهارچوب مالکیت فکری تحول فراوان یافته است. اگرچه در ماده ۸۵ عهدنامه بازار مشترک اروپا از مالکیت صنعتی مستقیماً سخنی نرفته اما خود مبنای رویه‌ای در دیوان دادگستری اروپا گردیده است. کمیسیون دیوان مزبور کوشیده است سرزمینی بودن قوانین داخلی کشورهای عضو را در زمینه مالکیت صنعتی تا آنجا که ممکن

است بنفع مقررات فوق ملی اروپا تضعیف نماید (ر.ک: Commission des commentés Européennes, 1978 : pp. 42-58).

این کوشش بالاخص در آنچه به حقوق حاکم در مورد مخترعان حقوق‌بگیر در کشورهای عضو بازار مشترک مربوط می‌شود به چشم می‌خورد. کنوانسیون مونیخ در ۱۹۷۳ راجع به اعطای پروانه اروپایی و کنوانسیون لوگزامبورگ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۵ در مورد پروانه اختراع نتیجه سال‌ها تلاش بازار مشترک اروپا در جهت تدوین آیین واحدی در این زمینه بود. این اقدامات در جهت نزدیک کردن هر چه بیشتر قوانین داخلی کشورهای اروپایی و تنظیم مقررات تا کنون نیز ادامه یافته است (Idot, 1989: pp. 272-289).

در سطح کشورهای اروپایی عضو یازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز در همین راستا کوشش‌هایی صورت می‌پذیرد (OCDE, 1996: pp. 25-26). سیستم‌های مربوط به پروانه‌های اختراع در این سازمان نوآوری را تلطیف می‌کنند (Goldman, 1985 : pp. 5-20)؛ چرا که ارائه سریع اختراع را به عرصه صنعت تشویق می‌نمایند. تقریباً در همه کشورهای عضو سازمان مزبور به مدت ۲۰ سال پس از تودیع تقاضای پروانه از حق اختراع حمایت می‌شود (همان).

کوشش برای هم‌شکل کردن و واحد کردن مقررات به کشورها و سازمان‌های اروپایی محدود نمی‌شود بلکه در سطح جهانی نیز همین تلاش وجود دارد (Plaisant, 1972 : pp. 533-550). در این چهارچوب عهدنامه همکاری در مورد پروانه‌های اختراع (۱۹۷۰) از اهمیت فراوان برخوردار است. عنایت اساسی سیستم عهدنامه همکاری در مورد پروانه‌های اختراع را آرپاد بوگش مدیرکل سازمان جهانی مالکیت فکری این گونه تعریف می‌کند:

«به این سیستم است که مخترعان و اشخاصی که مایلند حقوقشان بر اختراعاتشان تضمین گردد، توسل می‌جویند، در زمانی که آنان می‌خواهند برای چندین کشور کسب پروانه کنند. این شیوه‌ای آسان‌تر و عادی‌تر از اکراه نسبت به روشی است که باید تقاضاهای کسب پروانه را به طور جداگانه نزد دفتر پروانه هر کدام از این کشورها تودیع کرد» (Arpad Bogsch, 1995 : p. 438).

دوم (دیدگاه افقی): در چارچوب مطالعه‌ای افقی یعنی بررسی تطبیقی، مقررات چند کشور مختلف به عنوان نمونه‌هایی از قانون‌گذاری دولت‌ها شایسته مطالعه هستند.

در این خصوص می‌توان کشورهای فرانسه، بلژیک و آلمان را نمونه آورد:

الف. در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه:

«حق پروانه اختراع رشته‌ای از مالکیت صنعتی است. مالکیت صنعتی خود بخشی از مالکیت فکری است و مالکیت فکری از مباحث حقوق مدنی و تجارت محسوب می‌گردد (...) تحت نام مالکیت صنعتی، بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون اتحادیه ۱۸۸۳ مجموعه‌ای از حقوق خاص را در نظر دارد.» (Mathely, 1991 : p. 12)

پروانه اختراع قدیمی‌ترین سند در تاریخ حمایت از اختراعات است. نظام پروانه اختراع یک نظام بدیع و مخصوص بخود است که به طور موقت به مخترع حق انحصاری بهره‌برداری را می‌دهد و خود از دو بخش: وصف موضوع اختراع منضم به نقشه‌ها، و یک یا چند ادعا تشکیل می‌شود (همان، صص ۲۴-۲۱).

حقوق پروانه اختراع فرانسه بر مبنای مقررات متون قانونی زیر حمایت می‌شود: قانون ۲ ژانویه ۱۹۶۸ (اصلاح شده در ۱۹۷۸ و ۱۹۸۴)، قانون ۲۶ ژوئن ۱۹۹۰ و ۲۶ نوامبر ۱۹۹۰، کنوانسیون اتحادیه برای حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۱ مارس ۱۸۸۳، کنوانسیون مونیخ مصوب ۵ اکتبر ۱۹۷۳ و قانون اجرائی آن مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷ و نیز بخشنامه‌های اجرائی (همان، صص ۵۲-۴۹). اولین کنوانسیون حق اختراع در فرانسه مورخ ۵ ژوئیه ۱۸۴۴ بوده است که ماده اول آن می‌گوید:

«هر نوع کشف یا اختراع در هر زمینه تجارتي صاحب آن را، تحت شرایط مذکور در این قانون حق انحصاری می‌بخشد که از کشف یا اختراع به نفع خود بهره‌برداری کند. این حق با اسناد صادره دولت با عنوان پروانه اختراع محقق می‌گردد» (همان).

در حقوق فرانسه اساسی‌ترین شرط کسب پروانه اختراع که مشترک در همه قانون‌گذاری‌هاست، نوآوری است. به اعتقاد ماتلی حقوقدان فرانسوی: «اختراع کار روح و در بردارنده نوآوری است. اختراع کوشش از اندیشه است، چه یک ایده و چه یک طرز تفکر» (همان، ص ۵۷). در خصوص تفاوت حقوق اختراع با حقوق تألیف گفته شده است:

«در حقوق مؤلف برای اینکه حقی انحصاری بوجود آید نیازی به نوآوری نیست. بدیعی بودن کاری با نوآوری یک نیست (...). اگر در حقوق پروانه‌های اختراع، اختراع از مخترع مهم‌تر است، در

حقوق تألیف، به دلیل یک ایده بشردوستانه، همان قدر که تکیه بر حمایت از کار خلاق وجود دارد همان قدر هم به حمایت از خالق اثر توجه می‌شود» (همان).

در حقوق فرانسه، حقوق مالکیت صنعتی بخشی از مجموعه مالکیت فکری شمرده می‌شود. مالکیت فکری در برگرفته همه قواعدی است که حمایت حقوق مالکیت صنعتی، حقوق مؤلف و دانش فنی را تضمین کند. حقوق مالکیت صنعتی شامل پروانه‌های اختراع [می‌شود]» (Chavanne & Burst, 1990 : p. 1).

از دیدگاه مؤلفان فرانسوی: «حقوق مالکیت صنعتی در کنار حقوق شخصی و عینی، دسته سومی از حقوق محسوب می‌شوند و با حقوق شخصی فرق دارند؛ زیرا قابل طرح علیه همه کس هستند (...). در عین حال، این حقوق حقوق عینی نیستند؛ چرا که مدتشان نسبتاً کوتاه بوده و دائمی نمی‌باشند» (همان، ص ۲).

در قانون ۱۹۶۸ فرانسه، حق مخترع در برگرفته حق معنوی ذکر نامش در پروانه اختراع و حق مادی انحصاری بهره‌برداری از اختراع را دارد (مواد ۴، ۲۹ و ۲۹ مکرر) (همان، صص ۱۸۱-۱۸۰). ماده ۱ قانون ۱۹۶۸ فرانسه، اصلاح شده توسط قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۸ می‌گوید: «حق نسبت به مالکیت صنعتی به مخترع یا کسی که حق به او انتقال یافته، متعلق است».

در آنچه به مخترع حقوق‌بگیر در حقوق فرانسه مربوط می‌شود، شاخص اصلی حمایت از حق اختراع ابتکار فرد حقوق‌بگیر است یا به لحاظ موضوع قرارداد او با صاحب کار یعنی اجرای برنامه تحقیقاتی به منظور کشف محصولات یا روش‌های جدید صنعتی و یا به لحاظ تعهد فرد حقوق‌بگیر به انجام تحقیقی معین. در هر دو حالت، صاحب کار وسایل مادی تحقیق را فراهم می‌سازد و به حقوق‌بگیران خویش به تبع کارهای پژوهشی که از ایشان خواسته شده حقوق می‌پردازد (ر.ک: همان، ص ۲۶).

ب. در حقوق بلژیک

در حقوق بلژیک به موازات دیگر کشورهای اروپا حق مخترع تحولات فراوان یافته است. تازه‌ترین قانون لازم‌الاجرا در بلژیک قانون مورخ ۲۸ مارس ۱۹۸۴ که موخراً با چند متن قانون اصلاحی و بخشنامه‌های مربوطه تکمیل گردیده است.

در تعریف پروانه اختراع، ماده ۲ قانون مزبور می‌گوید:

«تحت عنوان پروانه اختراع، حق انحصاری و موقت بهره‌برداری برای هر نوع اختراعی که جدید باشد ایجاب می‌کند که یک فعالیت اختراعی وجود داشته و قابلیت اعمال صنعتی داشته باشد»
(B. van Reepinghen, M. de Brabanter, 1987 : p. 1).

تعریف قانون بلژیک در آنچه به «جدید بودن اختراع» مربوط می‌شود، همان است که در ماده ۴ کنوانسیون استراسبورگ و ماده ۵۴ کنوانسیون مونیخ آمده است. بنابراین قانونگذار بلژیکی به مقررات اروپایی و همچنین به مقررات بیشتر کشورهای اروپایی ملحق شده است. قانون جدید فقط یک نوع حمایت عام و واحد برای اختراعات قائل است: پروانه اختراع آنها دو نوع هستند: بیست ساله و شش ساله، بی‌آنکه شرایط کسب پروانه اختراع بین این دو متفاوت باشند (همان، صص ۲ و ۲۱).

ج. در حقوق آلمان

قانون آلمان مورخ ۲ ژانویه ۱۹۶۸، در ماده ۵ خود با حفظ قواعد پیشین سه ویژگی را به عنوان قاعده‌ای کلاسیک برای تحقق حق پروانه اختراع لازم می‌داند: نوآوری، پیشرفت تکنیکی و شایستگی اختراع. از نظر قانون‌گذار آلمانی، شرط نوآوری نسبت به دیگر شرایط از اهمیت کمتری برخوردار است (همان، ص ۵۲۶).

در طرز تفکر حقوقدانان آلمانی رقابت آزاد در اختراع و تشویق نیروهای تولید صنعتی عموماً به بهترین نتایج اقتصادی منجر می‌شود. به همین جهت زمانی که مسأله محدودیت بهره‌برداری از پروانه اختراع به اختلاف حقوق کشانده شود، اداره فدرال مجموعه شرکت‌ها در این کشور^۱ تصمیم گیرنده نهایی است (Alexandre, 1971 : pp. 305-306).

در آنچه به حق اختراع حقوق‌بگیران مربوط می‌شود، قانون آلمان توجه و حمایتش بیشتر متوجه مخترع حقوق‌بگیر است. موضع قانون‌گذار آلمانی همواره مبتنی بر قرارداد کار و آزادی قرارداد می‌باشد بی‌آنکه اجازه دهد از آزادی قرار سوءاستفاده شود (ر.ک: همان، صص ۱۹-۱۸).

1. BUNDESKARTELLAMT.

گفتار دوم: ماهیت حقوقی حق مخترع

کوشش برای تبیین ماهیت حقوقی حق مخترع از همان ابتدای فعالیت‌های بین‌المللی تقنینی در زمینه حقوق مالکیت صنعتی نمود پیدا کرده است. در کنگره ۱۸۷۸ پاریس قطعنامه شماره یک آن وقف کلیات و «حق مخترعان و صاحبان صنعت در خصوص کارهایشان» شده است. کنگره، مرکب از دولت‌های مختلف اروپایی، پس از بحث و جدل‌های فراوان و مخالفت بعضی از شرکت‌کنندگان به تلقی حق اختراع به عنوان حق مالکیت، نهایتاً به تعریف زیر رسید:

«حق مالکیت منتسب به مخترع ماهیت خاصی دارد و حق مالکیتی است که در هیچ کدام از تقسیم بندی‌های حقوقی سابق قرار نمی‌گیرد،^۱ و تحت شرایط ویژه‌ای اعمال می‌شود؛ و با آنکه محدودیت‌هایی به لحاظ زمان دارد، باز هم حق مالکیت شمرده می‌شود» (Thirion, 1880 : pp. 37, 39-40)

پس از کنگره پاریس، باب بحث در زمینه ماهیت حقوقی حق مخترع گسترده شد. در سال ۱۸۸۸ هانری ژوفروا در کتاب خود راجع به «پروانه‌های اختراع در حقوق بین‌الملل» پس از گزارش کردن مباحث مختلف کنگره پاریس و ذکر استدلال‌ات موافق و مخالف در مورد ویژگی مالکیت این حق، در تعیین ماهیت حقوقی حق مخترع این گونه نتیجه‌گیری می‌کند:

«حق مخترعان حق مالکیتی است که در قانون طبیعی ریشه دارد؛ باید قبول داشت که این حق دائمی است اما اعمال آن به چند سال معین محدود می‌گردد» (Geoffroy, 1888 : p. 27).

مسئله فهم ماهیت حقوقی حق مخترع و حقوق اختراع مستلزم درک تلاش ذهنی در انجام یک واقعه عینی است. اثر اندیشه در ایجاد یک ایده اختراعی مال غیرمادی شمرده می‌شود، مالی که در تقسیم بندی‌هایی که از اموال می‌شناسیم قرار نمی‌گیرد (Sui Generis)، با آنکه می‌تواند موضوعیت حقوقی پیدا کند، یعنی به نفع فرد یا گروه معینی محسوب شود. وقتی اندیشه مخترعانه ظهور می‌یابد، همچون نوشتار یا بنا، این ظهور خارجی نسبت به «عامل» خویش استقلال یافته دارای ارزش تجاری می‌شود، و نتیجتاً ماهیت حقوقی تجاری پیدا می‌کند (Res in commernio). اثر فوری چنین حقی قدرت نفی دستبرد و دخالت غیر است، چیزی که از ویژگی‌های حقوق عینی است. در اینجا هم، در قلمرو حقوق عینی هستیم؛ چرا که رابطه حقوقی بین فرد و بروز خارجی

۱. برای بیان این ویژگی حق مخترع از اصطلاح لاتینی sui generis استفاده می‌شود.

اختراع مطمع نظر است. به عنوان مصداق این مفهوم حقوق عینی اختراع، می‌توان نمونه‌هایی از حقوق داخلی آورد:

طبق ماده ۳۴۳ قانون تعهدات سوئیس، تحت شرایطی، اختراعات کارگر به کارفرما، متعلق است. در انگستان رابطه کارگر مخترع با کارفرما رابطه حق مالکیت است با صاحب واقعی آن که در حقوق کمان لو «تراسته» خوانده می‌شود.^۱

در حقوق آلمان، مخترع تنها کسی است که حق اخذ پروانه اختراع را دارد. در عین حال، حقوق اختراع تفاوت‌هایی هم با حقوق عینی دارد که از جنبه‌های غیرمادی آن ناشی می‌شوند. شناخت ماهیت حقوقی حق مخترع ارتباط مستقیم با رژیم اعمال حق در ابعاد مادی و غیر مادی آن دارد. اعمال حق عینی اختراع در واقع حق انحصاری مخترع است که در دو مرحله صورت می‌گیرد: مرحله سرّی بودن اختراع و مرحله اخذ پروانه اختراع. حقوق داخلی اغلب کشورها این دو مرحله را از یکدیگر متمایز کرده و برای هر کدام مقرراتی وضع کرده‌اند:

اولاً؛ در **مرحله سرّی بودن اختراع**: این مرحله جنبه غیرمادی حق اختراع را تشکیل می‌دهد. به قول انگلر: «مال غیر مادی تحت رژیم سرّی بودن اختراع، با خلق اختراع بوجود می‌آید و با انتشار آن از بین می‌رود» (همان، ص ۳۰). این مرحله در حقیقت حمایت از مخترع پیش از صدور پروانه است. نمونه آن ماده ۷ قانون فدرال سوئیس در مورد اختراع مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۵۴ است که شرط تلقی اختراع جدید را عدم ارائه و انتشار سابق بر اخذ پروانه شمرده است. ماده ۴۱۸ قانون مجازات فرانسه برای کسانی که اسرار تولیدی کارخانه یا شرکت را فاش کنند، مجازات زندان پیش‌بینی کرده است. ماده ۱۶۲ قانون مجازات سوئیس هم در همین راستا تعیین مجازات نموده است.

ثانیاً؛ **مرحله اخذ پروانه اختراع**: این مرحله در واقع زمان حمایت مستقیم از مخترع است؛ چرا که اختراعی که به اخذ پروانه منتهی نشود یک مال حقوقی محسوب نمی‌شود. «پروانه اختراع گواهی ولادت یک مال حقوقی است. پروانه گرفتن برای اختراع نه فقط از دست دادن دارایی حقوقی نیست، بلکه بر عکس انتشار وسیع آن بر ارزش تجاری‌اش می‌افزاید» (همان، صص ۳۰-۲۹).

۱. اصطلاح حقوقی Trustee خاص سیستم حقوقی انگلیس است که می‌توان آن را به امین یا متولی ترجمه نمود.

به لحاظ آثار حقوقی ناشی از اختراع، حق مخترع را می‌توان به دو نوع حق معنوی و حق مالی تقسیم کرد. در سخن گفتن از حق معنوی مخترع، گاه مخترع با معنایی عام مطرح است که در برگیرنده صاحت یک اثر هنری یا ادبی نیز هست. در این مفهوم «حق معنوی» مؤلف، مصنف یا صاحب اثر نقش اساسی دارد، حقی است که بر مبنای رابطه مستقیم فکری صاحب اندیشه ادبی یا هنری با مردم و قضاوت آنان بوجود می‌آید، و به شخصیت‌های مزبور از جمله این اختیار را می‌دهد لحظه به رسمیت شناختن اثر را انتخاب کنند و نیز از انتشار و تبلیغ بی‌رویه کارشان جلوگیری به عمل آورند. لیکن، وقتی از حق معنوی مخترع به مفهوم خاص آن بحث می‌شود، منظور فعالیت فکری مخترع در جهت چاره‌جویی مسایل فنی معینی است. این حق به مخترع اختیار می‌دهد از اختراع خود بهره‌برداری کند، آن را منتشر سازد، و در صورت اقتضاء برایش پروانه اخذ نماید. اختراع، با شروع کاربرد صنعتی از مخترع خود بکلی فاصله می‌گیرد. بنابراین، حق معنوی مخترع مبنای به رسمیت شناختن او به عنوان مخترع است، و حقی است که در پروانه اختراع تبلور خارجی پیدا می‌کند (ر.ک: همان، صص ۳۰-۲۷).

دومین و عمده‌ترین حق مخترع حق مالی اوست، حقی که از جمله در بردارنده حق بهره‌برداری (در چارچوب اخذ پروانه) و کاربرد صنعتی آن، انتقال حق و اعراض از آن می‌باشد، و حقی است که به «حق پروانه» «Le droit au brevet» اصطلاح شده، شاخص واقعی مالکیت صنعتی از مالکیت ادبی و هنری است. از این حق امتیازات زیر ناشی می‌شود:

۱. حق سپردن تقاضای اخذ پروانه، ۲. حق دریافت پروانه، ۳. حق انحصاری مخترع که مدت آن را قانون هر کشور تعیین می‌کند (برای مطالعه این امتیازات ر.ک: همان، صص ۴۰-۳۳).

به موجب ماده ۷ قانون پروانه اختراع سوئیس، «پروانه اختراع به صاحب پروانه حق انحصاری اعمال و اجرای کار صنعتی اختراع را می‌دهد». به عقیده روژه رامسییر: «حق ناشی از پروانه، به معنای دقیق کلمه یک حق ذاتی است که به یک یا چند نفر اختیار خاصی می‌بخشد که حق عینی را اعمال کنند و این محق محتوایی معین دارد (...). پروانه حقی است مالی قابل تقدیم به پول، و همراه دیگر دارایی‌ها، پس از مرگ نیز انتقال می‌یابد.» (Ramseyer, 1948 : p. 19)

می‌دانیم که به عقیده حقوقدانان، حقوق ذاتی به دو نوع: حق مطلق و حق نسبی تقسیم می‌شوند. حقی که از پروانه اختراع ناشی می‌شود تمام ویژگی‌های یک حق مطلق را دارد. در قوانین و

رویه‌های قضایی گاه اصطلاح مالکیت در موردش بکار رفته است (ماده ۷ قانون پروانه اختراع سوئیس)؛ اما حق پروانه حق مالکیت نیست. گرچه حق پروانه نیز همچون حق مالکیت حقی مطلق است؛ اما این وجه افتراق بین آن دو وجود دارد که حق پروانه محدودیت زمانی دارد (همان، صص ۲۲-۲۱). صاحب اختراع می‌تواند مالکیت خود را در محدوده حقوق پروانه اختراع به اشخاص ثالث منتقل کند. این انتقال را که «اجازه» «Le droit de Licence» نامیده می‌شود خود ماهیت حقوقی ویژه‌ای دارد که بعضی حقوقدانان چنین توصیف کرده‌اند:

«قرارداد اجازه قراردادی است که توسط آن صاحب یک امتیاز بهره‌برداری بخشی یا تمام حق انتفاع خود را در مورد حق بهره‌برداری از اختراعش به دیگری می‌بخشد» (Roubiek, 1936 : p. 289).

چنین قراردادی به قول روزه رامسی‌یر:

«از سویی به نفع صاحب اجازه، حقی مطلق اعطاء می‌کند که به لحاظ محدودیتش صرفاً به اختراع، نسبی محسوب می‌شود، و از سوی دیگر، حقوق نسبی و تعهدات مشخصی را که بعضی به نفع و بعضی بر ذمه هر کدام از طریق قرارداد هستند، بوجود می‌آورد» (همان، ص ۲۴).^۱

نتیجه‌گیری

با مطالعه مفاهیم حقوقی نهاد اختراع و مطالعه موضوع در چند کشور اروپایی می‌توان کلیات زیر را از دیدگاه حقوق عمومی استنتاج کرد:

تقریباً در همه سیستم‌ها تعریف حقوق مربوط به پروانه اختراع کمابیش واحد است. قانون حق انحصاری بهره‌برداری تولیدی از موضوع اختراع به مخترع را برای مدت معینی - که در قانون‌گذاری‌های مختلف تفاوت می‌کنند - اعطاء می‌نماید.

در همه قانون‌گذاری‌ها، اختیار نهایی تصمیم‌گیری دولت در آنچه به حقوق اختراع مربوط می‌شود حفظ گردیده است تا شرکت‌های صنعتی با قراردادهای افراطی از آزادی رقابت در مورد پروانه‌های اختراع سوءاستفاده نمایند. قانون‌گذار آلمان در این خصوص مقررات دقیق و مفصلی را پیش‌بینی کرده، در حالی که در قانون‌گذاری کشورهای دیگر غالباً مقامات و مراجع قضایی هستند که در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت این نوع قراردادها تصمیم می‌گیرند. به عنوان مثال، در فرانسه

۱. برای مطالعه کاملتر حق اجازه ر.ک: صص ۱۴۹-۳۵

«کمیسیون فنی توافق‌ها و مواضع غالب»^۱ خود را موظف شناخته مناسب‌ترین راه‌حل را که متضمن نفع اقتصادی کشور باشد، در هر مورد اختیار کند. در ایالات متحده رویه قضایی محدودیت کمی را برای اختیارات دادگاه‌ها در اعمال قوانین مربوطه قائل شده است. البته تفصیل‌گرایی قانونی در آلمان از یکسو و آزادی رسیدگی قضایی از سوی دیگر در ایالات متحده و فرانسه ناشی از تفاوت طرز تفکر این کشورها در زمینه سیاست اقتصادی است.^۲

حقوق مدنی بیشتر کشورها این اصل را پذیرفته است که مخترع صاحب حق یا کسی که به جانشینی او اعمال حق می‌کند نباید از آن سوءاستفاده نماید. در خصوص حقوق ایالات متحده نیز بد نیست بدانیم که عدم سوءاستفاده از حق پروانه اختراع مورد توجه خاص می‌باشد. قواعد رقابت تجاری نیز کمابیش در همه کشورها برای محدود کردن حقوق پروانه اختراع یا اعمال آنها پیش‌بینی گردیده‌اند. در بعضی کشورها همچون آلمان و ایالات متحده به لزوم رقابت تجاری و آزادی قراردادهای توجه بیشتری شده است.

در آنچه مستقیماً به حق مخترع مربوط می‌شود، حقوق فرانسه این اصل را که فقط مخترع حق بهره‌برداری از اختراع خود را دارد، ترک کرده، در حالی که قانون‌گذار ایالات متحده این اصل را همچنان حفظ می‌کند. در حقوق ایالات متحده حمایت فقط برای مخترع واقعی است و او کسی است که اولین مخترع بوده است. تا زمانی که وی با فعل یا ترک فعل خود از این حق اعراض نکرده، حق انحصاری بهره‌برداری را دارد حتی اگر تقاضای پروانه اختراع نکرده باشد. این حق انحصاری اوست که حتی با مرگ هم از بین نمی‌رود، بلکه حقی است که به ارث می‌رسد (Michailis, 1985 : pp. 19-38). مبنای این طرز تفکر، قانون اساسی ایالات متحده امریکا است که طبق بند هشتم اولین بخش آن: «کنگره اختیار دارد پیشرفت علوم و صنایع را با اعطای حق انحصاری و موقت برای مؤلفان و مخترعان به خاطر کارها و اختراعاتشان تلطیف کند» (همان، ص ۳۵).

1. «La Commission Technique des ententes et des positions dominantes»

۲. برای مطالعه بیشتر جنبه‌های تطبیقی موضوع ر.ک:

- Willy Alexandre, pp. 30-313.

- Robert Plaisant, pp. 533-548.

- Olivier Etienne, 1950: 172

حق مخترع با رنسانس صنعتی در غرب و ظهور اختراعات متعدد و متنوع در کشورهای صنعتی تولد یافته و از آن زمان هماهنگ با پیشرفت‌های علمی و صنعتی و تغییرات سریع تکنیک در چارچوب قانون‌گذاری‌های داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی تبلور و تحول یافته است. متون اصلی حقوقی در این خصوص، کنوانسیون‌ها و قوانینی هستند که غالباً در قرن نوزدهم تنظیم و تصویب شده‌اند، و مقررات مؤخر تقریباً همه جا با حفظ اعتبار و اصالت متون اولیه وقف اصلاح و اكمال آنان گردیده‌اند. مخصوصاً در سال‌های اخیر در سطح کشورهای اتحادیه اروپا اقدامات تقنینی فراوان به منظور هماهنگ کردن سیستم‌های قانون‌گذاری و تنظیم و امضای متن لازم‌التبعی برای همه کشورهای عضو صورت گرفته است.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. امامی، اسدالله (۱۳۹۰)؛ **حقوق مالکیت صنعتی**، تهران: انتشارات میزان.
۲. باقری، محمود و مریم گودرزی (۱۳۸۸)؛ «مقایسه نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱.
۳. جعفرزاده، میرقاسم و حسن پور، محمد مهدی (۱۳۹۲)؛ «تحلیل نظری نسبت حق اختراع و حقوق رقابت در آمریکا و اتحادیه اروپا»، فصلنامه تحقیقات حقوقی (علمی-پژوهشی)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۲.
۴. حبیبی، سعید (۱۳۸۳)؛ «نظام حق اختراع ایران پس از پذیرش موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۶۶.
۵. حبیبی، سعید و شاه بابای، حمیدرضا (۱۳۹۱)؛ «حمایت از نهاد نمونه اشیای مفید به منظور تکمیل نظام حق اختراع»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۱۶، شماره ۳.
۶. شفیعی شکیب، مرتضی (۱۳۸۱)؛ حمایت از حق مؤلف (قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی)، تهران: خانه کتاب.
۷. صادقی، محمود و رمضانی آکردی، حبیب (۱۳۹۴)؛ «مطالعه تطبیقی مفهوم و آثار حق تقدم در حقوق اختراعات»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۱۹، شماره ۱.
۸. صالحی ذهابی، جمال (۱۳۸۸)؛ حق اختراع: نگرشی تطبیقی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۹. عزیزی مرادپور، حمید (۱۳۹۱)؛ «تأملی بر محدودیت‌های حقوق دارندگان حق اختراع»، پژوهش‌های

حقوق تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۱۶، شماره ۱.

۱۰. میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۷)؛ حقوق اختراعات، تهران: انتشارات میزان.

ب. منابع فرانسوی

- 1-Alexandre W. (1971) ; Brevets d'invention et règles de concurrence du Traité CEE, Bruylant, Bruxelles.
- 2-Benech F. (1991) ; La place du droit de la propriété Industrielle dans le droit international économique, in Revue générale de droit, Vol. 22, N° 2.
- 3-Bogsch A. (1995) ; Aperçu historique du Traité de coopération en matière de brevets (1966-1995), in Revue la propriété Industrielle et le Droit d'auteur, 1ere année - N° 11, Nov.
- 4-Chavanne A., Burst J.J. (1990) ; Droit de la propriété industrielle, 3e éd., Dalloz, Paris.
- 5-Commission des commentés Européennes, Etudes, Le droit applicable à l'inventeur salarié dans les Etats membres des commentés européennes, série droit de Travail - 1978, pp. 42-58.
- 6-Cour de Justice de l'Union européenne, COMMUNIQUÉE DE PRESSE N° 152/14, Luxembourg, le 18 novembre 2014.
- 7-Droit commercial - la propriété industriel, Brevets d'invention, marques de fabriques et de commerce, Conventions internationales, 1947, Paris
- 8-Englert Ch. (1960) ; L'invention faite par l'employé dans l'entreprise privée, Verlag fur recht und gesellscahft AG Basel, p. 10.
- 9-Etienne O. (1950); L'Examen Préalable des Brevets d'invention, Thèse, Neuchâtel.
- 10-Geoffroy H. (1888); Des Brevets d'invention en droit international, Librairie Nouvelle de droit et de Jurisprudence, A. Rousseau, Paris.
- 11-Goldman B., Présentation Générale d'exemption du 23 juillet 1984, in Colloque de l'IRPI, Paris, 29 mai 1985 - les licences de brevets et le droit commercial, Librairies Technique, Paris, 1985
- 12-Idot L. (1989 Rapprochement des législations en matière de propriété intellectuelle, in Droit et Pratique du commerce international, T.15, N° 2.
- 13-Josserand L., Cours de droit civil positif français, T. 1 (éd. 1932), N° 120.
- 14-Littré, Dictionnaire, Ed. 10-18, Paris, 1962.

- 15-Mathely P. (1991); Le nouveau droit français, les Brevets d'invention, librairie du Journal des Notaires et des avocats.
- 16-Michaëlis K. (1985); le droit américain des Brevets d'invention, Ed. A. Pedone, Paris.
- 17-OCDE (1996); Propriété Intellectuelle, Transfert de Technologie et ressources génétique, pp. 25-26.
- 18-Payraudeau C., La Convention sur le brevet européen, Commentaire de la Convention sur le brevet européen et de la jurisprudence des chambres de recours de l'Office européen des brevets, Novembre 2007.
- 19-Plaisant R. (1972); La Réglementation des Brevets d'invention et son unification mondiale, in R. int'l. de Droit comparé, vol. 24, 1972, N° 3, juillet-septembre 1972.
- 20-Plasserand Y., Savignon F. (1986); L'Etat et l'intervention: Histoire des Brevets, Institut National de la propriété industrielle, Paris, Documentation française.
- 21-Ramseyer R. (1948); La contrat de licence des Brevets d'invention, Thèse, Genève.
- 22-van Reepinghen B. (1987); de Brabanter M., Les Brevets d'Invention – La Loi belge du 28 mars 1984, Maison F. Larcier Editeurs, Bruxelles.
- 23-Roubiek P. (1936); «Licences et exclusivités», in Annales de droit commercial français, étranger international.
- 24-Tankoano A. (1994); L'Accord relative aux aspects des droits de propriété intellectuelle liés au commerce (TRIPS), in Revue D.P.C.I., T.20, N° 3.
- 25-Thirion Ch. (1880); Le congrès International de la propriété Industrielle – Analyse et commentaire, Bureaux de l'office des Brevets d'Invention, Paris.
- 26-Ullrich H. (2014); Le futur système de protection des inventions par brevets dans l'Union européenne: un exemple d'intégration (re-) poussée?, *Max Planck Institute for Innovation & Competition*, Discussion Paper N° 1.